از مکه تا تهران؛ جایگاه ایران در آینده امنیت منطقه کجاست؟

توافق امنیتی مکه برای خاورمیانه و ایران می‌تواند نتایج مثبت یا عواقب محدودکننده به همراه داشته باشد؛ مثبت از آن جهت که کشورهای مهم منطقه به این درک رسیدند که امنیت باید با نگاه به درون باشد و منفی از آن جهت که بعد از چهار دهه بالاخره کشورها به این درک رسیدند اما این نگرانی جدی وجود دارد که بدون ایران هرگونه ساز و کار امنیت جمعی در منطقه شکل بگیرد.

به گزارش ایسنا، امضای «توافق دفاعی مشترک مکه» میان عربستان سعودی، پاکستان و ترکیه را نمی‌توان صرفاً یک توافق نظامی میان سه کشور دانست. اهمیت این توافق بیش از آنکه در شمار نیروها، تجهیزات نظامی یا حتی تعهد متقابل اعضای آن خلاصه شود، در تصویری است که از مسیر احتمالی تحولات امنیتی خاورمیانه در سال‌های پیش‌رو ارائه می‌کند؛ مسیری که در آن کشورهای منطقه، در کنار تداوم روابط امنیتی با قدرت‌های فرامنطقه‌ای، به دنبال ایجاد سازوکارهای مستقل‌تر برای مدیریت تهدیدات و تأمین امنیت خود هستند.

این توافق در مکه و در شرایطی امضا شده است که منطقه خاورمیانه طی حدود ۱۵ ماه گذشته دو جنگ مستقیم را علیه ایران تجربه کرده است؛ جنگ ۱۲ روزه ژوئن ۲۰۲۵ و سپس جنگی که از ۲۸ فوریه ۲۰۲۶ با حملات آمریکا و رژیم صهیونیستی به ایران آغاز شد و بعد از چندین دهه به یک رویارویی گسترده‌تر در سطح منطقه‌ای انجامید؛ چرا که علاوه بر ایران و رژیم صهیونیستی و آمریکا، پایگاه‌ها و منافع نظامی ایالات متحده در کشورهای منطقه و مسیرهای انرژی و کشتیرانی را نیز در معرض پیامدهای مستقیم جنگ قرار داد.

در چنین شرایطی، توافق مکه را باید بخشی از یک روند بزرگ‌تر و تلاشی برای شکل دادن به یک معماری امنیتی جدید در خاورمیانه دید؛ معماری که هنوز نه جایگزین کامل نظم آمریکایی حاکم بر منطقه شده و نه از آن جداست، اما نشانه‌های حرکت به سمت چندلایه و منطقه‌ای‌شدن آن هر روز آشکارتر می‌شود.

روز گذشته توافق مذکور توسط سران سه کشور عربستان سعودی، ترکیه و جمهوری اسلامی پاکستان به امضا رسید؛ توافقی که نشان می‌دهد سه کشور با در نظر داشتن منافع مستقل خود، محتاطانه به سوی نوعی بازدارندگی جمعی در پاسخ به تحولات سیاسی، امنیتی ماه‌های اخیر حرکت می‌کنند.

پیمان مکه؛ یک توافق جدید قائم بر روابط قدیمی

مهم‌ترین بند این توافق تصریح می‌کند که حمله مسلحانه به هر یک از سه کشور، حمله به هر کدام از آنها تلقی خواهد شد. توافق مکه همچنین بر تقویت همکاری‌های دفاعی، بازدارندگی مشترک، همکاری در صنایع دفاعی و مقابله با تروریسم تأکید دارد و حق دفاع مشروع مطابق ماده ۵۱ منشور سازمان ملل را مورد تأکید قرار می‌دهد. در عین حال، جزئیات اجرایی مربوط به اینکه هر کشور در صورت حمله به عضو دیگر دقیقاً چه اقدام نظامی الزام‌آوری باید انجام دهد، به‌طور کامل علنی نشده است.

اهمیت دیگر توافق در این است که از سوی طرف‌های امضاکننده به‌عنوان توافقی علیه کشور مشخصی معرفی نشده است. رجب طیب اردوغان، رئیس جمهور ترکیه، پس از امضای توافق اعلام کرد که این توافق «کشوری را هدف قرار نمی‌دهد» و برای مشارکت کشورهای دیگری که خواهان صلح، رفاه و ثبات منطقه هستند نیز باز گذاشته شده است.

یک مقام ترکیه‌ای نیز ماهیت توافق را «کاملاً دفاعی» توصیف کرده و گفته است که این توافق علیه بازیگر مشخصی نیست و توافق‌های دوجانبه و چندجانبه پیشین اعضا با یکدیگر یا با سایر کشورها و سازمان‌ها را لغو نمی‌کند. بنابراین، نباید پیمان مکه را در معنای کلاسیک آن به‌مثابه تشکیل یک بلوک نظامی بسته تفسیر کرد. این توافق بیشتر به یک سازوکار بازدارندگی جمعی و شبکه‌سازی امنیتی شباهت دارد که می‌تواند در آینده توسعه پیدا کند.

در همین حال، توافق مکه در خلأ شکل نگرفته است. روابط دفاعی عربستان و پاکستان دهه‌ها سابقه دارد و در سال ۲۰۲۵ نیز دو کشور «توافق دفاع متقابل راهبردی» امضا کردند که بر اساس آن تجاوز به یکی از دو کشور، تجاوز به هر دو تلقی می‌شد. در آوریل ۲۰۲۶ نیز عربستان اعلام کرد یک نیروی نظامی پاکستانی شامل هواپیماهای جنگنده و پشتیبانی در چارچوب همین توافق وارد پایگاه هوایی ملک عبدالعزیز شده است.

از سوی دیگر، همکاری دفاعی عربستان و ترکیه نیز طی سال‌های اخیر به شکل محسوسی توسعه یافته است. در سال ۲۰۲۳ دو کشور برنامه اجرایی همکاری دفاعی را امضا کردند که حوزه‌هایی همچون صنایع دفاعی، انتقال و بومی‌سازی فناوری، تحقیق و توسعه و اجرای پروژه‌های مشترک را دربر می‌گرفت. عربستان همچنین قراردادهایی برای خرید و بومی‌سازی فناوری پهپادی ترکیه منعقد کرد.

کمیته مشترک نظامی دو کشور نیز در سال‌های بعد به‌طور منظم برای توسعه همکاری‌های دفاعی تشکیل جلسه داده است. از این منظر، پیمان مکه را می‌توان تبدیل یک شبکه از روابط دوجانبه به یک چارچوب سه‌جانبه دانست؛ چارچوبی که در صورت پیوستن اعضای جدید می‌تواند از یک توافق سه‌کشوری به یکی از لایه‌های معماری امنیتی آینده منطقه تبدیل شود.

چرا توافق مکه؟

برای پاسخ به این پرسش باید اشاره مستقیم به تحولات ۱۵ ماه گذشته در منطقه به ویژه در ارتباط با دو جنگ اخیر آمریکا و رژیم صهیونیستی با ایران داشت.

جنگ ۱۲ روزه ژوئن ۲۰۲۵ جنگ سایه میان ایران و آمریکا با همراهی رژیم صهیونیستی را به جنگی مستقیم کشاند به شکلی که هرگونه بازگشت به تنش‌های قبلی در سایه تقابل‌های سیاسی و امنیتی غیرممکن است.

این جنگ با حملات رژیم صهیونیستی به ایران آغاز شد و با ورود مستقیم آمریکا و حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران ادامه یافت.اما جنگ دوم در فوریه ۲۰۲۶ ابعاد بسیار بزرگ‌تری پیدا کرد. حملات مشترک آمریکا و رژیم صهیونیستی به ایران منطقه را وارد مرحله‌ای جدید کرد و واکنش ایران نیز تنها به سرزمین‌های اشغالی محدود نماند، بلکه پایگاه‌ها و زیرساخت‌های نظامی آمریکا در منطقه و متعاقبا در پی تبادل آتش میان ایران و آمریکا در کشورهای منطقه، مسیرهای حیاتی انرژی و کشتیرانی در خلیج فارس به ویژه آبراه بین المللی تنگه هرمز در معرض پیامدهای جنگ قرار گرفت.

چتر امنیتی آمریکا؛ تضمین امنیت یا بخشی از معادله تهدید؟

در حالی که کشورهای منطقه برای چندین دهه از حضور و استقرار پایگاه‌های نظامی آمریکا در کشورهایشان استقبال و آن را نقطه قوت و بازدانده‌به لحاظ امنیتی در مقابل تهدیدات احتمالی از سوی ایران و برخی کشورهای دیگر می دانستند و حتی در دو جنگ اخیر تصور کشیده شدن پای جنگ به طور مستقیم به سرزمین خود را دور از تصور و ذهن می‌دیدند اما این رویا با هدف قرار گرفته شدن پایگاه‌های نظامی آمریکا از سوی ایران در پاسخ به حملات از پایگاه های نظامی‌اش در این کشورها نقش بر آب شد.

بعد از این تحولات و طولانی شدن تقابل میان ایران و آمریکا که عملا جنگ را به شهرها و خاک این کشورها کشانده بود، رهبران آنها را به این فکر واداشت که تا کجا حضور نیروهای نظامی آمریکا در خاکشان می‌تواند نقطه قوت باشد و به نوعی با این مساله رو به رو شدند که چتر امنیتی آمریکا دیگر به پاشنه آشیل امنیتی برای آنها تبدیل شده است!

پاسخ به این مساله برای کشورهای کوچک و ثروتمند خلیج فارس اهمیت بیشتری دارد؛ کشورهایی که از یک سو میلیاردها دلار برای خرید تسلیحات پیشرفته از آمریکا هزینه کرده‌اند و از سوی دیگر برای فرماندهی، اطلاعات، پدافند، آموزش، نگهداری و برخی قابلیت‌های کلیدی نظامی همچنان به آمریکا و غرب وابستگی دارند.

ایالات متحده طی دهه‌های گذشته شبکه گسترده‌ای از پایگاه‌ها و تأسیسات نظامی را در خاورمیانه ایجاد کرده است. بحرین میزبان مقر ناوگان پنجم نیروی دریایی آمریکا است؛ پایگاه العدید قطر مقر پیشروی فرماندهی مرکزی آمریکا محسوب می‌شود؛ و آمریکا در کویت، عربستان سعودی، امارات و دیگر کشورهای منطقه نیز زیرساخت‌های نظامی قابل‌توجهی دارد.در شرایط عادی، این حضور برای کشورهای میزبان یک ابزار بازدارندگی محسوب می‌شود. اما در شرایط جنگ مستقیم آمریکا و ایران، معادله می‌تواند برعکس شود.

پایگاه‌های آمریکا در منطقه

جنگ ۴۰ روزه و ابعاد سیاسی، امنیتی، اقتصادی در سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی تناقض‌های بی شماری را برای کشورهای منطقه ایجاد کرد. آن‌ها برای جلوگیری از جنگ به قدرت خارجی تکیه کردند، اما در صورت وقوع جنگ میان آن قدرت خارجی و یک قدرت منطقه‌ای، آنها را در معرض پیامدهای جنگی ناخواسته قرار داد و حتی بزرگی و عظمت ناوگان نظامی آمریکا هم مانع از صدمات و خسارات مادی و معنوی برای این کشورها نشد.

این کشورها چند ماهی برای عبور از شرایط بحرانی جنگ به نفع آمریکا و رویکرد امنیتی شان به منطقه منتظر ماندند اما وقتی دیدند ماشین جنگی ایران در برابر آمریکا خاموش نمی‌شود و اراده سیاسی ایران هم‌چنان بر رویکرد «چشم در برابر چشم» است، آرام آرام از درخواست‌ها برای ادامه تنش و درگیری و خصومت در سطح منطقه با ایران کاستند و بر دیپلماسی برای حل مسائل و اختلافات تاکید کردند. با این حال کشورهای منطقه به ویژه رهبر معنوی و مادی آنها، عربستان شروع به تنوع‌بخشی به منابع سیاسی و امنیتی خود در سطح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای کردند، البته نه به این معنا که آنها قرار است به یک‌باره آمریکا را کنار بگذارند.

نظم موازی منطقه‌ای؛ نه جایگزین ناگهانی آمریکا

واقعیت صحنه حاکی از آن است که کشورهای عربی خلیج فارس در بعد نظامی و دفاعی به‌شدت به آمریکا و غرب وابسته‌اند. بخش مهمی از تسلیحات پیشرفته، سامانه‌های پدافندی، هواپیماها، آموزش، تعمیر و نگهداری، اطلاعات و فناوری‌های نظامی آنها از ایالات متحده و کشورهای اروپایی تأمین می‌شود.بنابراین شکل گیری پیمان‌هایی مانند توافق مکه را نباید نشانه خروج فوری کشورهای عربی حوزه خلیج فارس از مدار امنیتی آمریکا دانست، بلکه آنچه در حال شکل گیری است را می‌توان یک نظم امنیتی موازی در کنار همکاری نظامی و امنیتی کشورهای منطقه با آمریکا دانست.

آنچه روشن است، کشورهای منطقه تلاش دارند برای جبران پاشنه آشیل ناشی از وابستگی تک بعدی به آمریکا، هم‌زمان که توافق امنیتی شان با آمریکا را ادامه می‌دهند، با پاکستان همکاری دفاعی داشته باشند، از صنایع دفاعی ترکیه استفاده کنند، با چین روابط راهبردی را پیش ببرند و با ایران سازوکارهای سیاسی و اقتصادی ایجاد کنند. چند لایه‌شدن روابط امنیتی شاید مهم‌ترین ویژگی نظم آینده خاورمیانه و منطقه باشد که هر روز بر پیچیده شدن این لایه‌ها اضافه می‌شود.

در این نظم چند لایه، کشورها الزاماً مجبور نیستند یکی از قدرت‌ها را انتخاب کنند؛ آنها می‌توانند از منابع مختلف قدرت برای کاهش وابستگی به یک بازیگر استفاده کنند و توافق مکه دقیقاً در چنین چارچوبی قابل فهم است.

پیام پیمان مکه به آمریکا

نخستین پیام پیمان مکه به واشنگتن که شاید بتوان مهم‌ترین پیام این توافق هم از آن نام برد، این است که کشورهای منطقه بعد از تحولات و دو جنگ اخیر، دریافتند که نمی‌توانند امنیت خود را صرفاً به تضمین‌های یک قدرت خارجی وابسته کنند. در عین حال طرف‌های توافق مکه، همچنان روابط گسترده‌ای با آمریکا خواهند داشت اما تفاوت در این است که اکنون می‌خواهند گزینه‌های بیشتری روی میز داشته باشند. از این رو، اگر نگوییم که توافق مکه، ضدآمریکایی نیست، اما پیام ژئوپلیتیک و سیاسی آن برای واشنگتن روشن است؛ کشورهای منطقه می‌خواهند در تعیین معماری امنیتی آینده خاورمیانه نقش محوری و مستقل بیشتری داشته باشند.

پیام به رژیم صهیونیستی؛ موازنه در برابر جاه‌طلبی‌های بلندمدت

پیام مهم دیگر توافق مذکور، متوجه رژیم صهیونیستی است.در سال‌های گذشته، کشورهای منطقه شاهد افزایش دامنه تجاوزات نظامی رژیم صهیونیستی در خارج از سرزمین‌های اشغالی بوده‌اند؛ از لبنان و سوریه گرفته تا حمله به عراق، یمن و ایران.جنگ‌های اخیر ایران و رژیم صهیونیستی نیز نشان داد که تل‌آویو از ظرفیت و اراده لازم برای ورود به یک رویارویی مستقیم با قدرت‌های منطقه‌ای نیز برخوردار است و در این مسیر از حمایت مستقیم آمریکا هم به طور کامل بهره می‌برد.از منظر برخی کشورهای منطقه، مسئله فقط رفتار فعلی رژیم صهیونیستی نیست؛ بلکه تصویری است که از اهداف بلندمدت این رژیم در منطقه به ویژه با توجه به پروژه موسوم به «اسرائیل بزرگ» شکل گرفته است.

آنچه مشخص است کشورهای عربی منطقه که تا قبل از ۷ اکتبر به سمت همراهی و تعامل با اسرائیل ترغیب شده بودند بعد از حملات این رژیم و نسل کشی در غزه و اقدامات یک جانبه و خارج از قواعد بین‌الملل این رژیم، نسبت به اهداف و نیات آن در منطقه و خاورمیانه احساس خطر کردند.

شاید در صحنه واقعیت و رسانه‌چندان مخالفتی با اقدامات آمریکا نشان ندهند اما در فضای غیررسمی تلاش دارند تا به شکل‌های مختلف مسیرهای ورود این رژیم به تعاملات عادی منطقه را به محدود کنند. در این رابطه ترکیه یکی از کشورهایی است که به طور رسمی با سیاست‌ها و اقدامات اسرائیل مخالفت کرده است.

نکته قابل توجه در رابطه با نگاه اسرائیل به توافق مکه اشاره رسانه‌های صهیونیستی به سنی بودن سه کشور عربستان، ترکیه و پاکستان و نگرانی نسبت به شکل‌گیری یک بلوک متشکل از کشورهای سنی علیه این رژیم است.

پیام مکه به تهران

در این میان اما، طرح توافق مکه برای ایران پیام‌های قابل توجهی دارد که ضروری است دستگاه سیاسی و حاکمیتی و دیپلماسی کشور به آن توجه ویژه داشته باشند.

نکته مهم در طرح و تحقق این توافق این است که به نظر این توافق تکیه و طعنه به سازوکارهای امنیتی و منطقه‌ای می‌کند که یکی از قدیمی‌ترین ایده‌های سیاست خارجی ایران است. مقامات ایران از چندین دهه قبل، همواره تأکید کرده‌اند که امنیت منطقه باید توسط کشورهای منطقه تأمین شود و در همین راستا در سال‌های اخیر طرح‌های مختلفی از جمله طرح «مناره» محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه پیشین ایران، یا طرح«ابتکار صلح هرمز» از سوی حسن روحانی، رئیس‌جمهور پیشین این کشور مطرح شده است.

پیگری طرحی که ظرفیت افزایش اعضا در سطح منطقه و فرامنطقه دارد عملا پیگیری همان سازوکارهای منطقه‌ای پیشنهادی ایران است در حالی که خود ایران در این توافق و طرح جایگاهی ندارد.

به علاوه زمان شکل‌گیری این توافق با توجه به تحولات منطقه و جنگ آمریکا علیه ایران می‌تواند این شائبه را ایجاد کند که این توافق برای مقابله با تهدیدات ایران برای کشورهای منطقه نیز است. از این رو توافق مکه در گام نخست چندان برای ایران بی‌ضرر نیست.

خطر واقعی برای ایران چیست؟

در عین حال، بزرگترین خطر برای تهران تحت توافقات دو جانبه یا سه جانبه و حتی چندجانبه، احتمال شکل‌گیری ائتلافی ضدایرانی در منطقه نیست، چرا که در ۱۵ ماه اخیر، کشورهای منطقه با اقدامات خود، کنترل تخاصم و حتی کاهش تنش با تهران را حتی در اوج جنگ ۴۰ روزه برگزیدند.

مساله نگران‌کننده در رابطه با تفاهمات و توافقات دو یا چند جانبه که در حین جنگ ایران و آمریکا در سطح منطقه در حال شکل‌گیری است این است که می‌تواندسلسله همکاری‌های اقتصادی و ترانزیتی، دفاعی و اطلاعاتی و سیاسی را شکل دهد که عملا بعد از جنگ و آرام شدن فضای امنیتی و سیاسی فعلی راه‌ها را به سمت همکاری‌ایران با کشورهای همسایه خود مسدود کند.

ظاهر این توافقات هیچ‌کدام ضد ایرانی نیست اما مجموع آنها می‌تواند نتیجه‌ای ایجاد کند که برای ایران مطلوب نباشد.

در چنین شرایطی، ایران ممکن است با منطقه‌ای مواجه شود که در آن برای هر پروژه اقتصادی، امنیتی، انرژی یا ترانزیتی جدید، ابتدا باید خود را با ترتیباتی تطبیق دهد که دیگران پیش‌تر طراحی کرده‌اند.

درس خزر؛ وقتی شبکه توافقات از خود توافق مهم‌تر می‌شود

وضعیت دریای خزر نمونه‌ای قابل توجه از پیچیدگی مذاکرات دو یا چندجانبه است.پنج کشور ساحلی خزر ـ ایران، روسیه، جمهوری آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان ـ طی بیش از دو دهه درباره رژیم حقوقی این پهنه آبی مذاکره کردند و در سال ۲۰۱۸ کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر را امضا کردند.

این کنوانسیون چارچوب حقوقی کلی را مشخص کرد، در حالی که برخی مسائل مهم مربوط به تحدید حدود بستر و زیر بستر همچنان نیازمند مذاکرات و توافقات بعدی بود اما به دلیل برخی اختلافات مهم میان ایران و کشورهای همسایه خود عملا این کنوانسیون از سوی ایران امضا نشد اما این مساله موجب نشد که دیگر کشورهای ساحلی مسائل و منفعت‌های خود در دریای خزر را از مسیر توافقات دو یا چند جانبه دنبال نکنند.

بنابر این، اگر چنین الگویی در منطقه خلیج فارس تکرار شود، ایران ممکن است با شبکه‌ای از ترتیبات در آینده مواجه شود که موقعیت تهران را به شدت محدود کند.

با توجه به رقابت کشورهای منطقه و اهداف درازمدت هر یک از آن‌ها، شاید خاورمیانه آینده نه یک بلوک واحد، بلکه مجموعه‌ای از خوشه‌های امنیتی و اقتصادی درهم‌تنیده باشد. برای مثال، یک کشور ممکن است در یک ائتلاف دفاعی با چند کشور قرار گیرد، در پروژه‌ای دیگر با گروه دیگری از کشورها همکاری کند یا در حوزه ترانزیت به شبکه‌ای متفاوت متصل باشد و در حوزه فناوری به قدرتی خارج از منطقه وابسته شود. از این رو کشورهای منطقه براساس منافع خود در جزیره‌های ژئوپلیتیکی مستقل و جدا از یکدیگر قرار گیرند؛ جزایری که هر کدام مجموعه‌ای از قواعد، منافع و ترتیبات خاص خود را دارند.

حمایت چین و اروپا از نظم درون منطقه‌ای

بر خلاف تصور برخی از کشورها، کشورهای فرامنطقه‌ای به ویژه چین و اروپا از حرکت‌های مستقل و درون گرایانه در سطح خاورمیانه و منطقه خلیج فارس استقبال می‌کنند. اساسا حرکت به سوی نوعی نظم منطقه‌ای فقط محصول تصمیم کشورهای منطقه نیست.

قدرت‌های خارجی نیز در سال‌های اخیر به اهمیت ایجاد سازوکارهای منطقه‌ای پی برده‌اند.چین در اسناد سیاست خاورمیانه خود بر مفهوم «امنیت مشترک، جامع، همکاری‌محور و پایدار» تأکید کرده و از تلاش کشورهای عربی و منطقه برای ایجاد سازوکارهای امنیت جمعی فراگیر حمایت کرده است چراکه این رویکرد با منافع چین نیز همخوان است. چین بزرگ‌ترین واردکننده انرژی از منطقه است و به علاوه برای حفظ مسیرهای تجاری، ثبات بازار انرژی و امنیت سرمایه‌گذاری‌های خود، از کاهش تنش میان قدرت‌های منطقه‌ای سود می‌برد.

همچنین، اروپا نیز به دلایل مشابه و به‌خصوص تعاملات سال‌های اخیر با آمریکا در پی جنگ اوکراین، از گفت‌وگو و ایجاد معماری‌امنیتی منطقه‌ای مستقل و درون‌زا استقبال می‌کند. حتی در ادبیات سیاست‌گذاری غربی، بحث درباره «معماری امنیتی فراگیر خاورمیانه» و مدل‌های چندجانبه، از جمله سازوکارهای GCC پلاس، شورای دریای سرخ و نشست بغداد، به‌طور جدی مطرح شده است. بنابراین، نظم منطقه‌ای آینده ممکن است برخلاف تصور اولیه، صرفاً پروژه یک کشور یا گروهی از کشورها نباشد؛ بلکه حاصل همگرایی تدریجی منافع بازیگران منطقه‌ای و قدرت‌های خارجی همسو با اهداف و برنامه‌های میان‌مدت و بلندمدت کشورهای مهم منطقه‌ای باشد.

ایران همیشه در جنگ نخواهد بود

به گزارش ایسنا، تعاملات و توافقات دو و چندجانبه به ویژه در حوزه دفاعی و امنیتی را نباید و نمی‌توان لزوما به چشم تهدید دید، بلکه در صورت هوشمندی دستگاه دیپلماسی ایران، هرگونه دوران گذاری می‌تواند سرشار از مزایا و فرصت‌ها باشد که پیش از آن ممکن نبوده است.

یکی از مهم‌ترین نتایج مثبت توافق مکه ارسال این پیام به دنیا و منطقه است که امنیت هر منطقه توسط کشورهای همان منطقه قابل تامین و تضمین است و نمی‌توان امنیت منطقه را از کشورهای فرامنطقه درخواست کرد؛ این موضوعی است که چهار دهه ایران برای درک آن از سوی کشورهای منطقه تلاش کرد.

ایران در ۱۵ ماه گذشته،هزینه‌های سنگین سیاسی، امنیتی و اقتصادی پرداخته است؛ از آسیب‌های انسانی و اقتصادی گرفته تا تخریب زیرساخت‌های نظامی و غیرنظامی و افزایش هزینه‌های امنیتی. با وجود جنگ تمام عیار آمریکا و رژیم صهیونیستی در یک سال گذشته، ایران توانسته در برابر حملات مستقیم آنها مقاومت کند و هزینه قابل توجهی را به طرف‌های مقابل و جهان تحمیل کند.

این توانمندی نظامی برای ایران یک سرمایه است. از طرفی،یکی از مهم‌ترین دستاوردهای ایران، برجسته شدن مجدد اهمیت جغرافیای سیاسی ایران بود.تنگههرمز، موقعیت ایران در خلیج فارس و دریای عمان و معادلات انرژی، همگی نشان دادند که حذف ایران از معادلات منطقه‌ای ممکن نیست.

ایران نمی‌تواند سیاست خارجی و امنیت ملی خود را برای همیشه در وضعیت جنگی تعریف کند، کما اینکه در همین شرایط جنگی بسیاری از کشورها در حالی شکل دادن به تعاملات سیاسی و امنیتی و اقتصادی آینده هستند.

جنگ ممکن است توازن قوا را تغییر دهد، بازدارندگی ایجاد کند و واقعیت‌های جدیدی به وجود آورد؛ اما روزی می‌رسد که شعله جنگ خاموش می‌شود، مذاکرات آغاز می‌شود، تجارت از سر گرفته می‌شود، مرزها دوباره به محل عبور انسان و کالا تبدیل می‌شوند و دولت‌ها مجبور می‌شوند درباره آینده‌ای طولانی‌تر از یک جنگ چندماهه تصمیم بگیرند.

اگر دستگاه دیپلماسی و حاکمیت نیم نگاهی به تحولات سیاسی و امنیتی که در حال شکل گیری در منطقه است، نداشته باشد این احتمال وجود دارد که بخشی از دستاوردهای امروز در میدان، عملا برای آینده کشور و منافع ملی کارکردی نداشته باشند. بنابراین ضروری است تا دستگاه دیپلماسی ایران با نگاهی بلندمدت به تحولات منطقه در آینده، برای نقش و جایگاه ایران در معماری «نظم فراگیر خاورمیانه» بیندیشد.

گزارش رسانه آمریکایی از اقدام ایران برای اخراج آمریکا از خلیج فارس

وال‌استریت ژورنال در گزارشی از اقدام ایران برای پایان دادن به حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس خبر داد.

به گزارش خبرگزاری مهر، روزنامه آمریکایی وال استریت ژورنال در گزارشی اعلام کرد که ایران متعهد شده است تا در چارچوب توافقی برای بازگشایی تنگه هرمز، مانع عبور ناوهای جنگی نیروی دریایی آمریکا از این آبراه شود.

وال استریت ژورنال در این باره نوشت: ایران در چارچوب توافقی برای بازگشایی آبراه هرمز، متعهد شده است که مانع عبور کشتی‌های جنگی نیروی دریایی ایالات متحده از این تنگه شود؛ اقدامی که در راستای هدف این کشور برای محدود کردن حضور نظامی چندین‌دهه‌ای آمریکا در خلیج فارس صورت می‌گیرد.

این روزنامه آمریکایی سپس ادعا کرد: تهدید تهران، نشان‌دهنده قدرت گرفتن جناح تندرو در بدنه رهبری ایران و به‌ویژه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است؛ گروهی که مدت زیادی است خواهان اخراج نیروهای آمریکایی از منطقه بوده‌اند. مقامات ایران اکنون فرصتی یافته‌اند تا با بهره‌گیری از مذاکرات مربوط به پایان دادن به این جنگ ۶ ماهه، جایگاه واشنگتن را در خلیج فارس متزلزل کنند.

روسیه غرب را تهدید کرد

کشورهای غربی مجازات می‌شوند

معاون شورای امنیت روسیه اعلام کرد: سران کشورهای غربی به‌دلیل جنایاتی که در تلاش برای نابودی روسیه مرتکب شده‌اند، با مجازات روبه‌رو خواهند شد.

به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از خبرگزاری ریانووستی، دیمیتری مدودف معاون شورای امنیت روسیه گفت: پایان دوران کاری زلنسکی نزدیک است. اگر اوکراینی‌ها رهبران جدید و عاقلی پیدا نکنند، این کشور با نابودی اجتناب‌ناپذیر روبه‌رو خواهد شد.

معاون شورای امنیت روسیه در این خصوص ادامه داد: اروپا نتوانست روسیه را در اوکراین شکست دهد، اما خسارت عظیمی به خود وارد کرد. ... غرب به محض آنکه ارمنستان دیگر به‌عنوان ابزاری برای ضربه زدن به روسیه برایش جذابیتی نداشته باشد، به این کشور پشت خواهد کرد. غرب به سیاست ریاکارانه خود ادامه می‌دهد و به‌جای مصالحه و میانجیگری، ضرب الاجل و ارسال تسلیحات را انتخاب می‌کند. غرب می‌کوشد به هر وسیله‌ای روسیه را نابود کند و برای این کار افرادی جنایتکار مانند ساکاشویلی یا زلنسکی را به خدمت می‌گیرد.

دیمیتری مدودف سپس افزود: سران کشورهای غربی به‌دلیل جنایاتی که در تلاش برای نابودی روسیه مرتکب شده‌اند، با مجازات روبه‌رو خواهند شد. دیپلماسی غرب به‌عنوان ابزاری برای حل و فصل بحران‌های سیاسی، اعتبار خود را کاملاً از دست داده است. روسیه هیچ اهمیتی به نظر غرب جمعی نمی‌دهد؛ منافع ملی خود این کشور مهم‌تر از هر چیز دیگری است.

گسترش شدید فقر در یمن به دلیل اقدامات خصمانه عربستان

وزارت امور دارایی یمن از خسارت های مالی سنگین وارد آمده به این کشور بر اثر تداوم اقدامات خصمانه عربستان خبر داد.

به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از المسیره، وزارت امور دارایی یمن اعلام کرد، ۱۲ سال تجاوز و محاصره عربستان علیه این کشور ۱۰ تریلیون ریال حقوق معوقه برای کارکنان یمنی بر جای گذاشته است.

بر اساس این گزارش، تجاوز و محاصره عربستان فرصت های شغلی را از چهار میلیون و ۲۰۰ هزار یمنی گرفته و همچنین فعالیت ۴۰ هزار طرح عمرانی و خدماتی در کشور متوقف شده است.

وزارت دارایی یمن تاکید کرد که در پی تجاوز و محاصره و غارت منابع این کشور از سوی عربستان ۱۳۰ میلیارد دلار از درآمدهای نفتی یمن از دست رفته و این مسئله موجب کوچک شدن ۴۰ درصدی اقتصاد این کشور شده است.

این وزارتخانه همچنین تصریح کرد که نرخ فقر در این کشور در پی پیامدهای تجاوز و محاصره عربستان به ۸۵ درصد رسیده است. هزینه ناشی از ایجاد اختلال در حرکت کشتی ها بر اثر محاصره بنادر یمن از سوی عربستان به ۳۰ میلیارد دلار رسیده است. این کشور ۴.۲ میلیون فرصت شغلی موقت را نیز از دست داده است.

وزارت دارایی یمن همچنین اعلام کرد که حدود ۷ میلیون نفر از مردم این کشور به طور مستقیم از توقف پرداخت حقوق در پی محاصره عربستان آسیب دیده اند.

تاکید العامری بر افزایش سطح آمادگی نیروهای عراقی

دبیرکل سازمان بدر در دیدار با فرماندهان حشد شعبی بر ضرورت افزایش سطح آمادگی نیروهای عراقی تاکید کرد.

به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از المیادین، هادی العامری دبیرکل سازمان بدر با شماری از فرماندهان سازمان حشد شعبی درباره تقویت هماهنگی ها میان نهادهای ذی ربط و بررسی وضعیت عملکرد میدانی و ارتقای سطح آمادگی آنها گفت و گو کرد.

بر اساس این گزارش، هادی العامری روز شنبه در دفتر خود در بغداد میزبان شماری از فرماندهان حشد شعبی بود و در این دیدار آخرین تحولات میدانی و اوضاع مرحله کنونی و همچنین راه های ارتقای توانمندی های لازم نیروهای حشد شعبی و نیروهای امنیتی بررسی شد.

در این دیدار بر اهمیت حفظ سطح بالای آمادگی میدانی در برابر چالش های مختلف تاکید شد.

چندی قبل نیز رسانه های عراقی از افزایش سطح آمادگی امنیتی و رزمی نیروهای این کشور بنا به دستور فرمانده کل نیروهای مسلح خبر داده بودند.